

تقیاء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد ۱۲۰۴؛ همو، میرزای شیرازی: ترجمه هدیة الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، نهران ۱۳۶۲ ش.

/ داود الهامی /

بَوْصِلَةُ الْقِبْلَةِ - قبله‌نما

بوصیر (ابوصیر)، نام چندین موضع در مصر. این تعداد از آن جهت که این نام بر پرستشگاههای اوزیریس^۱، خدای [مصری] جهان زیرین، دلالت دارد، غیرطبیعی نیست. اطلاق نام ابوصیر بر حومه وسیع غرب اسکندریه یادآور آن است که این محل جایگاه تاپوزیریس ماگنا^۲ بوده است.

بوصیر در ساحل غربی رود دمیاط، از شاخه‌های نیل، در استان غربیة، شهر کوچکی است که در قرون وسطی با آبادی همجوارش، بنا، مربوط بوده، ازینرو عموماً آن را بوصیر - بنا نوشته‌اند. این بوصیر، که در ایام باستان شهرت داشته، اسقف‌نشین و مرکز اداری و حکومتی این کوره^۳ بوده است.

بوصیر الیَدر، در کوره جیزه (یاقوت حموی، ج ۱، ص ۷۶۰) قرار دارد که اهرام معروف مصر در آن واقع است. وصف عبداللطیف بغدادی (ص ۴۴) از این شهر، همانند آثار کشف شده در گورستان آن که وی ذکر کرده، سندی ممتاز است.

بوصیر دیگری، که تا قرن دهم بوصیر - قوریس/قوریس (یاقوت حموی، همانجا؛ قدامة بن جعفر، ص ۲۴۷: بوصیر کوریس)، و دست کم از قرن یازدهم بوصیر الملق نام داشته، در مدخل قیوم، در حاشیة غربی مصر وسطی واقع است. چون جاهای متعددی را بوصیر می‌خوانده‌اند، مورخان در تعیین محل دقیق مرگ مروان دوم (حک: ۷۴۴-۷۵۰)، آخرین خلیفه اموی شام، با مشکل مواجه بوده‌اند. به احتمال بسیار، مروان آخرین روزهای حیاتش را در بوصیر الملق گذرانیده، و یکی از روایات محلی نیز مؤید این احتمال است. بر حول این شهر استان کوچک و مستعجلی به نام بوصیریة، میان استانهای اطفیح و بَهنَسا، به وجود آمد.

به رغم اسناد و شواهدی که در تأیید این نظر ارائه می‌شود، گروه دیگری از نویسندگان جای شکست نهایی امویان را در بوصیر دیگری می‌دانند که در آن سوی اشمونین، بر ساحل دیگر رود نیل، و در حدود ۱۸۰ کیلومتری جنوب بوصیر الملق واقع است. ادعا شده که این منطقه، خاستگاه «ساحران» فرعون مصر بوده است. به گفته ادیسی (ج ۱، ص ۱۲۴) سکنه این محل در روزگار او به سحر و ساحری شهره بوده‌اند.

به حالت تعلیق در آورد و به دلیل عدم توافق از سوی طرفین، در مرداد ۱۳۵۸ قرارداد فسخ شد. با امضای موافقتنامه همکاریهای صلح‌آمیز هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، قرارداد تکمیل واحد یکم نیروگاه اتمی بوشهر با وزارت انرژی اتمی فدراسیون روسیه به ظرفیت هزار مگاوات منعقد و مقرر شد که برق تولیدی از طریق خطوط ۴۰۰ و ۲۳۰ کیلو ولتی به شبکه سراسری منتقل شود و کارهای ساختمانی و بخش عمده کارهای نصب را شرکت‌های ایرانی انجام دهند.

محل احداث نیروگاه در هجده کیلومتری جنوب غربی بندر بوشهر بین دو روستای هلیل و بندرگاه انتخاب شده است. نیروگاه در سالهای جنگ تحمیلی بارها مورد حمله هوایی قرار گرفت.

منابع: سازمان انرژی اتمی ایران، نامه ش ۳۶۸۲۱/۳۰ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲ / د. ج. اسلام /

بوشهری، محمد شفیع، عالم جامع شیعی قرن سیزدهم و چهاردهم. در ۱۲۷۰، در کازرون متولد شد و تحت تربیت پدرش، سید محمد تقی موسوی، از زاهدان و عابدان بزرگ عصر خویش، پرورش یافت. در ۱۲۹۱ با پدرش به بوشهر رفت و از آنجا به عتبات عراق مشرف گردید و در سامرا نزد سید محمد حسن شیرازی (۱۲۳۰-۱۳۱۲) معروف به «میرزای بزرگ»، به تحصیل فقه و اصول پرداخت و از شاگردان سرشناس میرزا شد. بوشهری در طب نیز اطلاعات وسیعی کسب کرد به طوری که معالجات عجیبی از او مشاهده می‌شد. وی در حوزه درس عده‌ای از فضلا، از جمله میرزا علی آقا، فرزند میرزای شیرازی، نیز حاضر می‌شد، و تا ۱۳۱۰ در سامرا بود و همان سال به بوشهر بازگشت. در بوشهر به تدریس و نشر احکام پرداخت و مرجع امور مردم از خاص و عام گردید. در ۱۳۲۹ با خانواده‌اش به زیارت عتبات رفت و در نجف بیمار شد و روز هفتم ربیع‌الاول همان سال وفات یافت و در وادی‌السلام به خاک سپرده شد. وی در فقه و اصول بسیار متبحر بود و تألیفاتی از او باقی مانده است.

فرزندش، سید محمد تقی، از فضلاء سرشناس به شمار می‌رفت و از شاگردان میرزا محمد تقی شیرازی و علامه حاج حسن کُتبه بود. فرزند دیگر بوشهری، سید محمد مهدی، نه ماه پس از پدر در سامرا درگذشت و همانجا مدفون شد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۸۴۰-۸۴۱؛ همو، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۴۷-۱۴۸).

منابع: محمدمحسن آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة، جز ۱: